

دشواری‌های فهم اندیشه سیاسی امام خمینی(ره): چرایی و چیستی

محمد محمودی کیا^۱

چکیده

هدف: شناخت شایسته و اجتهاد دائمی در مبانی اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) به‌عنوان نرم‌افزار سیاست و حکومت در ایران پس‌انقلاب، امری ضروری برای تداوم مسیر بالندگی انقلاب اسلامی تلقی شده و هرگونه اهمال نسبت به آن می‌تواند با انحراف در نظم اندیشگی، به افساد ماهیت درونی نظام سیاسی نیز کشانده شود. لذا، شناسایی عواملی که به‌نحوی می‌تواند بر عدم شناخت قرین به واقع از اندیشه ایشان مؤثر باشد، به‌عنوان هدف این تحقیق برگزیده شده است.

روش‌شناسی پژوهش: این تحقیق با بهره‌گیری از روش کیفی «تحقیقات پس از وقوع»، درصدد شناسایی آن دسته از عوامل ذهنی است که می‌تواند در شناخت ناصواب اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) مؤثر باشد. نگارنده با پذیرش این پیش‌شرط که امکان حصول به چارچوبه‌هایی برای فهم غایات و مقصود مؤلف از متن وجود دارد، با بهره‌گیری از نظریه هرمنوتیک، تلاش در شناسایی آن دسته از انگاره‌های ذهنی دارد که در شناخت اندیشه سیاسی امام تأثیرگذار هستند.

یافته‌ها: یافته‌های این تحقیق حکایت از آن دارد که حداقل ۱۰ عامل ذهنی می‌تواند در شکل‌دهی به این انگاره‌های ناصواب در فهم اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) مؤثر باشد که عبارتند از: تحریر ایدئولوژیک اندیشه سیاسی، تحمیل نظریه بر اندیشه، قدسی‌انگاری، نگاه تک‌ساحتی به اندیشه، فقدان تمایزگذاری میان اندیشه سیاسی و آراء سیاسی، اکنون‌انگاری، عدم بسط نظری اندیشه، نوع نگاه معرفت‌شناختی از قدرت و سیاست، عدم توجه به بافت و موقعیت در پردازش اندیشه و عدم توجه به واقعیت بیرونی هر اندیشه.

نتیجه‌گیری: چالش‌های معرفتی و انگاره‌های ذهنی نقش بسزایی در شکل‌بخشی به فضای تفهیمی مفسر داشته و می‌تواند به‌مثابه یک عامل پیشینی و پیش‌فرض عمل نماید و پدیده را بر اساس آن مورد مطالعه و بازخوانش قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: اندیشه سیاسی، امام خمینی(ره)، دشواری‌ها، روش‌شناسی فهم، روش هرمنوتیک.

مقدمه

اندیشه سیاسی هر اندیشمند مجموعه‌ای از پیچیدگی‌ها را در درون خود نهفته دارد که تنها در ارتباط با جهان بیرون، بخشی از آن می‌تواند عینیت یافته و تجسم یابد و بخش معظمی نیز می‌تواند همچنان نهفته باقی بماند. لذا نمود بیرونی و شکل عینی‌شده اندیشه که در قالب کنش اعلانی و اعمالی کنشگران بروز و ظهور می‌یابد، نمی‌تواند نماینده تام و تمام نظام اندیشگی اندیشمند باشد. در واقع، شناخت کامل از ماهیت و پویایی‌های درونی هر پدیده‌ای که برون‌داد یک اندیشه باشد، بدون شناخت مختصات آن نظام اندیشگی میسر نبوده، که این گزاره طرف دیگر این معادله است که فهم پویایی‌های هر اندیشه، نیازمند بازتولید کامل یا قریب به واقع از فضای درونی جهان اندیشگی اندیشمند مولد آن است. این مسئله زمانی اهمیت می‌یابد که این اندیشه موجب یک نظم سیاسی یا اجتماعی فراگیر در جوامع ملی باشد. در این هنگام، در برابر این پرسش قرار می‌گیریم که آیا بازتفسیر اندیشه شخصیت‌های تاریخ‌ساز امکان‌پذیر است یا خیر؟ در واقع، این سؤال ناظر به این حقیقت است که با توجه به این که موضوعات در جهان سیاست یا در سطح کلان‌تر، در جهان اجتماعی، محصول تغییر در بافت و موقعیت پیدایش رویدادها یا به تعبیری دیگر مولود یک زمان و فضای منحصر به فرد هستند و از طرفی، فرد یا آن رویداد هم غیرقابل تکرار است، آیا امکان خوانش مجدد اندیشه یا اندیشه‌گر در دیگر زمان‌ها امکان‌پذیر است یا خیر؟ پرسشی که در دو راهی امکان و عدم امکان در میان پژوهشگران به امری مورد اختلاف تبدیل شده و هر یک از جانبی، به تأیید و یا انکار آن پرداخته‌اند.

اهمیت: با توجه به اهمیت رخداد انقلاب اسلامی و نیز تأثیر اندیشه رهبران فکری و بنیان‌گذاران نظری آن در ماهیت نظم سیاسی پسانقلاب و پیامدهای آن، نمی‌توانیم تاریخ انقلاب و اندیشه اندیشه‌ورزان برجسته انقلاب را در زمان گذشته رها کرده و از بازتفسیر و روزآمد ساختن آن برای مواجهه با جهان زیست معاصر بی‌نیاز باشیم. لذا، به صورت منطقی نیازمند بازتفسیر تاریخ و اندیشه شخصیت‌های برجسته آن هستیم. بر این اساس، اندیشه امام از دو حیث حائز اهمیت است؛ نخست، از حیث تأسیسی اندیشه و این که مبتنی بر این اندیشه نظامی سیاسی با عنوان جمهوری اسلامی تأسیس شده است. امام، با طرح نظریه ولایت فقیه و عملیاتی کردن این نظریه در قالب جمهوری اسلامی، یک الگوی نوین از دولت مدرن در جهان معاصر را ارائه داده‌اند. دومین حیث این است که با تأسیس نظام جمهوری اسلامی، یک جریان بازتابی از نظریه‌پردازی‌ها در بعد ایجابی و سلبی در ارتباط با موضوعات مختلف مانند رابطه شریعت و سیاست، جایگاه دموکراسی و اراده عمومی در اسلام، نقش فقه و گستره فقه در قانون‌گذاری یا کاربرد قاعده مصلحت در افتاء، مورد اندیشه‌ورزی‌های دو طیف موافقان و مخالفان قرار گرفت؛ لذا، این دو بُعد بر اهمیت بازتفسیر شایسته اندیشه امام صحنه می‌گذارد.

ضرورت: یکی از چالش‌های سیاست‌ورزی در ایران معاصر، عدم اتفاق نظر در تفسیر اندیشه سیاسی معمار و بنیان‌گذار آن است. چرا که اساساً ماهیت و پویایی در اندیشه جمهوری اسلامی، بدون ارجاع به نظم اندیشگی رهبری آن امکان‌پذیر نیست و عدم توجه به این مهم، می‌تواند موجب پراکندگی نیروها و اختلاف

در بازتفسیر اصول، مبانی و ارزش‌های بنیادین انقلاب اسلامی شود. لذا، بررسی و مذاقه در حوزه روش و نیز شناخت قرین به واقع از منظومه فکری امام خمینی(ره) از طریق شناخت زمینه‌های شناختی و یا ذهنیت‌هایی که موجب بدفهمی اندیشه سیاسی ایشان می‌شود، امری ضروری است.

هدف: در این مقاله به دنبال بررسی چرایی بازشناخت اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) در عصر حاضر و نیز چستی آن دسته از عواملی هستیم که مانع از فهم شایسته از نظام اندیشگی ایشان به‌عنوان برجسته‌ترین رهبر در جنبش اجتماعی منجر به وقوع انقلاب اسلامی ایران (بهمن ۱۳۵۷) می‌شود.

سؤالات تحقیق: ۱. چه ضرورتی برای بازتفسیر و اجتهاد در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) وجود دارد؟ ۲. مشکله یا ذهنیت‌هایی که موجب ایجاد مشکل در فهم اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) شده‌اند چه عواملی هستند؟

فرضیه: با توجه به این که تحقیق پیش‌رو از نوع اکتشافی بوده و محقق درصدد یافتن و کشف ماهیت دقیق مسئله است، نیازی به ارائه فرضیه نیست.

پیشینه پژوهشی

شناسایی ذهنیت‌هایی که مانع از فهم شایسته اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) شده‌اند به‌طور عمده خود را در مطالعات روش‌شناختی اندیشه ایشان جلوه‌گر می‌کند. طبعاً این قسم مطالعات، محدودیت‌ها و چالش‌های نظری برای مطالعه اندیشه ایشان را برجسته کرده و توصیه‌های روشی را نیز ارائه می‌نمایند. در زمینه مطالعه روش‌مند اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، مطالعات متعددی صورت گرفته که حسب بررسی به عمل آمده از پایگاه‌های استنادی، یافته‌های این مطالعات در قالب جدول شماره ۱ به شرح ذیل است:

جدول ۱: روش‌ها و ملاحظات در باب فهم اندیشه سیاسی امام

مقوله	روش مطلوب برای فهم و مطالعه	ملاحظات روشی
مطالعه و فهم اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)	روش شهودی و تجربی (عیوضی، ۲۰۱۸)	توجه به پویایی‌های اندیشه سیاسی اسلام در دیدگاه امام / اخلاق‌مداری در اندیشه سیاسی امام / فرانگرش‌های مادی در اندیشه سیاسی امام
	روش تحلیل تاریخی و مقصدگرا (قریب بلوک و هزاوه‌ای، ۲۰۱۸)	نقد روش متن‌گرا / لزوم توجه به موقعیت عینی تاریخی / نقد روش تحلیل گفتمان
	روش تاریخی (باوی، ۲۰۰۳)	نقد رویکرد غیرتاریخی و رویکرد تاریخ‌باوری نسبی اندیشانه
	تکثر روشی با تأکید بر روش تحلیل سیستمی برای مطالعه و فهم چستی نظام سیاسی اسلامی از منظر امام خمینی (لکزایی، ۲۰۰۶)	روش تحلیل سیستمی برای مطالعه نظام سیاسی اسلام / روش تحلیل گفتمان برای مطالعات هم‌سنجی / روش مفهومی برای مباحث عمومی / روش بین‌رشته‌ای برای مطالعات عمیق دانشگاهی / روش راهبردی برای مطالعه اندیشه‌های راهبردی

بهره‌مندی از روش‌های کلامی - فقهی در کنار روش‌های عقلی - استنباطی	روش معرفت‌شناختی مبنی بر تلازم عقل و وحی (بیننده و همکاران، ۲۰۲۰)
روش تحلیل محتوا / روش تفسیری / روش داده بنیاد / روش مطالعات میان رشته‌ای	روش ترکیبی متن‌گرا (برزگر، ۲۰۱۴؛ همتی‌فر و همکاران، ۲۰۲۳؛ شیرودی، الف و ب، ۲۰۱۲)
استفاده از شیوه تحلیل محتوا در سطح کاربردی و بکارگیری فرضیه‌های تجربی خاص و شیوه آماری قابل کنترل در سطح عملی	روش استنباطی بر مبنای پدیدارشناسی (اسکندری، ۲۰۰۷)
روش برهانی فلسفی / جدلی کلامی / استنباطی فقهی / اخلاقی / تفسیری و تاریخی	روش ترکیبی برهانی (جمشیدی و سبزی، ۲۰۱۲)
روش نوگرایانه در تحلیل فقه و روش واقع‌بینانه	روش فقهی اجتهادی (خراسانی، ۲۰۱۲؛ حسینی، ۲۰۱۲؛ مقیمی، ۲۰۱۸)
تمایزبخشی محکمت از مشابیهات در اندیشه سیاسی	روش اکتشافی (مصباح یزدی، ۲۰۰۹؛ قادری، ۲۰۰۲)
تمایزبخشی آراء سیاسی از اندیشه سیاسی	

با عنایت به بررسی ادبیات مطرح شده، هر یک از پژوهش‌های فوق‌الذکر صرفاً رویکردی بخشی‌نگر به مطالعه روش‌شناخت از اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) داشته‌اند و بر روی عواملی ذهنی ناشی از نظام ادراکی مفسر از مؤلف تأکید و توجهی نداشته‌اند. لذا، موضوع این تحقیق از حیث روش و نیز عنوان، فاقد مشابهت‌یابی پیشینی بوده و بررسی نقش ذهنیت‌ها در عدم شناخت قرین به واقع از اندیشه امام خمینی (ره) می‌تواند به‌عنوان بداعت تحقیق در نظر گرفته شود.

روش تحقیق

روش تحقیق در حیث رویکرد، تحلیلی - توصیفی، و از چگونگی از نوع «تحقیقات پس از وقوع»^۱ است (کارتز^۲، ۲۰۲۲). در این نوع تحقیقات محقق به بررسی روابط علت و معلولی از طریق بررسی پیامدهای موجود می‌پردازد و به دنبال ارائه پاسخ به این سؤال است که چرا یک حادثه رخ داده و چگونه می‌توان از وقوع آن در آینده جلوگیری کرد. لذا با توجه به این که مقدار متغیر مستقل این تحقیق یعنی عدم اجماع در بازتفسیر اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و ارائه رهیافت‌های گاه‌متباین با یکدیگر در این خصوص و همچنین تأثیر آن بر اجرای سیاست‌ها و خلق رویه‌های جدید، بیشتر و به‌طور طبیعی و قابل مشاهده مشخص است،

1. Post-Investigation Methode
2. Carter

از روش تحقیقات پس از وقوع استفاده شده است. لذا، محقق کار خود را با مشاهده و بررسی متغیرهای وابسته یعنی دشواره‌ها یا ذهنیت‌هایی که موجب عدم شناخت از اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) شده‌اند آغاز می‌کند تا بتواند به متغیرهای مستقل دست یابد. در واقع، تحقیق از سطح عینی و مشاهده‌پذیر شروع می‌شود تا بتوان به شناسایی این انگاره‌ها و چالش‌های شناختی - معرفتی دست یافت.

چارچوب نظریه: نظریه تأویل یا هرمنوتیک

هرچند هرمنوتیک به‌عنوان یک رشته فلسفی رسمی در دوره مدرن مطرح شده، لازم است به تاریخ‌ها و تأملات غنی درباره هرمنوتیک در تمدن‌ها و سنت‌های دیگر نیز توجه داشت؛ زمینه‌ای که در آن فیلسوفان اروپایی مدرن شروع به بیان نظریه‌های رسمی هرمنوتیک کردند، از نبردهای مرگ و زندگی اصلاح‌طلبی ناشی می‌شود. فردریش شلایرماخر و ویلهلم دیلتای به‌طور گسترده‌ای با ظهور هرمنوتیک مدرن شناخته می‌شوند. به‌عنوان مثال، شلایرماخر، مشکلات تفسیر کتاب مقدس را با تفسیر ژانرهای دیگر ادبیات، تاریخ، حقوق و فلسفه همسان کرد. شلایرماخر، مسئله یک دایره هرمنوتیکی را بیان کرد که در آن خوانش یک قطعه خاص، تنها در فهم آن در ساختار زبانی کل متن قابل درک است و در عبارت دیگر، خوانش کل متن، فقط در پرتو تفسیر قطعات خاص قابل درک است. بنابراین، خوانش صحیح یک متن همچنین نیازمند استفاده از منابع دیگر، از جمله درک زندگی و نیت نویسنده است. به معنای دیگر، هدف این بود که «نویسنده را بهتر از آنچه که خودش می‌فهمد، درک کنیم» (شلایرماخر^۱، ۱۸۳۵، بخش ۳، جلد ۳: ۳۶۲). این همچنین مستلزم درک کل زمینه فرهنگی است که اثر نویسنده در آن ظهور کرده است. در هر سطحی، مشکل یک بخش و کل دایره‌گرایی برای شلایرماخر به‌وجود آمد، اما او نوعی خوش‌بینی صمیمانه نسبت به تلاش برای دستیابی به خوانش عینی یک متن داشت.

برخی دیگر استدلال می‌کنند که نویسندگان در واقع خود را درک نمی‌کنند و این وظیفه مفسر است که معانی پنهان متن نویسنده را رمزگشایی کند. به‌عنوان مثال، درک خود نویسنده یا خوانش سطحی یک متن، پوشش‌هایی برای «آگاهی کاذب» از منافع اقتصادی (کارل مارکس) (اییرمان^۲، ۱۹۸۱: ۴۳-۵۶) یا «طرح‌های ناخودآگاه» نیروهای روان‌شناختی (زیگموند فروید) (سندلر و سندلر^۳، ۱۹۹۵: ۳۱۷-۳۳۲) هستند. با این حال، این چرخش انتقادی به سمت هرمنوتیک سوءظن، به زودی خود مفسر «عینی» را درگیر کرد، زیرا همه مفسران و تفاسیر از نظر ایدئولوژیک مغرضانه هستند. بنابراین، خواننده به‌عنوان بخشی از مسئله به دایره هرمنوتیکی کشیده می‌شود. خواننده لزوماً به خواندن یک متن مهم با انواع پیش‌فرض‌ها نزدیک می‌شود. پیش‌داوری‌ها به سادگی می‌توانند تفسیر را از پیش تعیین کنند. چالش تفسیر مانند یک دایره

1. Schleiermacher
2. Eyerman
3. Sandler and Sandler

باطل به نظر می‌رسد که در آن خوانندگان هرگونه پیش‌داوری را بر متن وارد می‌کنند (هرمنوتیک در دانش و مذهب^۱، ۹ نوامبر ۲۰۲۲).

هانس گئورگ گادامر، نظریه‌ای از تفسیر را بیان کرد که موقعیت خواننده را کاملاً در نظر گرفت. تفسیر، رویارویی دو دنیای مؤلف و خواننده بود (گادامر^۲، ۱۹۷۶). متن به موجودیتی مستقل با زندگی خاص خود تبدیل شد. تعبیر خوب به دنبال «تلفیقی از افق‌ها» بین خواننده، نویسنده، و زندگی متن. وظیفه این بود که به‌طور انتقادی در مورد پیش‌داوری‌هایی که توسط خواننده آورده شده است، به دنبال فاصله انتقادی موقت از این پیش‌داوری‌ها باشیم، و برای مواجهه با درک جدیدی از طریق یک خوانش جدید آماده باشیم، که ممکن است مجموعه جدیدی از مفروضات را برای آینده ارائه کند. هدف این بود که آنچه را که به‌عنوان یک دایره هرمنوتیکی شناخته می‌شد، به یک ماریپچ هرمنوتیکی با پایان باز و مترقی تبدیل کنیم (هرمنوتیک در دانش و مذهب، ۹ نوامبر ۲۰۲۲).

با این وصف، مهم‌ترین هدف و وظیفه نظریه تأویل، این است که به پرسش‌هایی از این قبیل پاسخ دهد: آیا می‌توانیم به‌عنوان مفسر و شناسنده یک کلام که دارای ذهنیت و نگرش خاصی هستیم، بدون دخالت، پیش‌داوری و پیش‌فرض به معنای آن کلام نایل آییم؟ آیا عبارات علاوه بر معانی ظاهری، معانی دیگری نیز دارند؟ و آیا دست‌یابی به آن امکان‌پذیر است؟ اصلاً چرا گاه بین مفسران یک متن، اختلاف پیدا می‌شود؟ آیا تفاوت در پیش‌فرض‌های مؤلفان و مفسران و نیز فاصله تاریخی میان آن دو، ابهامات و پیچیدگی‌های کلامی را ایجاد می‌کند؟ آیا تفاوت در قواعد و روش‌های تبیین و تفسیر، آدمیان را به این نحله‌های گوناگون می‌کشاند؟ در آن صورت آیا می‌توان به نیت و مقصود مؤلف دست یافت؟ آیا راهی برای تمییز فهم درست از فهم نادرست وجود دارد یا همانند تفکر هایدگری و گرایش پدیدارشناسی هرمنوتیکی باید به نوعی نسبت در فهم، رو آورد؟ آیا هر فهمیدنی به تفسیر محتاج است؟ آیا هر متنی دارای معنای پنهانی است که با تفسیر آشکار می‌شود؟ یا بدون عمل تفسیر هم می‌توان به معانی متون دست یافت؟ و از همه مهم‌تر، حقیقت تفهیم و فهم چیست و واقعیت فهم چگونه می‌شود؟ هرچند هرمنوتیک و نظریه تأویل از قدیم‌الایام برای کشف معانی متون مقدس و تفسیر آنها مورد استفاده بوده است؛ اما، از اوایل قرن نوزدهم این دانش به‌صورت جدیدی پایه‌گذاری شد. در ادامه این روند تکوینی، گادامر با قراردادن تأویل‌گرایی را در راستای تفکر هایدگر در اثر معروفش به نام «هستی و زمان» (۱۹۲۷)، برخلاف اسلاف خود همچون شلایرماخر و دیلتای که فاصله تاریخی و فرهنگی مفسر از مؤلف را منشأ بدفهمی می‌دانست، اصرار داشت که فهمیدن بدون پیش‌فرض‌ها و اعتقادات مفسران امکان‌پذیر نیست (گادامر، ۱۹۶۰). بر این اساس، کشف نیت مؤلف برای او چندان اهمیت نداشت و به تفسیر عینی و نهایی نیز اعتقادی پیدا نکرد. بعدها، هیرش، با اصلاح نظریه شلایرماخر به شکلی از نیت مؤلف برای پرهیز از ذهنیت‌گرایی اصرار ورزید.

1. Hermeneutics in Science and Religion

2. Gadamer

خسروپناه نیز در همین راستا، معتقد است امکان شناخت مؤلف با رعایت الزاماتی همچون پی‌جویی از قرائن حالیه و مقالیه متکلم؛ توجه به سایر عبارات و جملات متکلم در کنار عبارت مورد فهم؛ شناخت زبان متکلم؛ شناخت مخاطب متکلم؛ کشف معانی الفاظ در زمان متکلم؛ و آشنایی نسبت به ساختار زبانی متکلم می‌تواند امکان دستیابی قرین به واقع از مراد مؤلف را برای مفسر پدید آورد (خسروپناه، ۱۹۹۸-۱۹۹۹: ۸۷-۸۸).

در مجموع، از بُعد نظری این امکان وجود دارد تا با مطالعه نظام‌مند در منظومه فکری یک اندیشمند بتوان به چارچوب و اصول کلی برای خلق یک دستگاه تحلیلی برای کاربری آن در امر سیاسی دست یافت و از آن به‌عنوان یک دستگاه تحلیلی مرجع برای تفسیر پدیده‌های سیاسی بهره برد. طبعاً پژوهش پیرامون منظومه اندیشگی امام خمینی(ره) به‌عنوان یک فقیه و اصولی‌متبحر، فیلسوفی متأله و عارفی سترگ از یک‌سو و نیز رهبری یک نظام سیاسی از سوی دیگر، از پیچیدگی‌های بسیاری برخوردار است که آنچه در این نوشتار مقصود است آن بخش از نظام اندیشگی ایشان است که با حوزه سیاست ارتباط معنادار و وثیقی پیدا می‌کند.

یافته‌های تحقیق

با عنایت به مباحث پیش‌گفته در بخش چارچوبی نظری، نگارنده این باور را در کانون توجهات نظری و روش‌شناختی خود قرار داده که اندیشه‌ها، قیاس‌پذیر و کشف‌شدنی هستند و می‌توان به عالم ذهنی مؤلف یا متفکر راه یافت و مراد و مقصود نیمه پنهان او را کشف کرد؛ تحلیل درون‌مایه متن، به همراه روانکاوی شخصی و اجتماعی متفکر، ما را به عالم ذهنی او هدایت می‌کند و بدین طریق با اندیشه‌های اصیل او آشنا می‌سازد و لذا هر چند ناقص، می‌توان الگویی برای ورود به عالم متفکر، به منظور توضیح و تفسیر افکار او، طراحی کرد (عیوضی، ۲۰۱۸: ۹۶). لذا، بر همین اساس، از نقطه‌نظر آسیب‌شناسی فهم مفسر از مؤلف و شناسایی ذهنیت‌هایی که چالش شناخت را ایجاد کرده‌اند، از مجموعه بررسی‌های صورت گرفته در زمینه موانع فهم اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، نگارنده ۱۰ مسئله ذهنی را شناسایی کرده که در این رابطه نقش فعال دارند که در ادامه توضیحات آن ارائه می‌شود:

۱. تحریر ایدئولوژیک اندیشه سیاسی

چالش نخست از مجموعه انگاره‌های ذهنی که مانع از فهم شایسته اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) شده، تحریر ایدئولوژیک اندیشه سیاسی ایشان است. تحریر ایدئولوژیک اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) می‌تواند ریشه در این عامل داشته باشد که تحلیل‌های سیاسی در ارتباط با اندیشه سیاسی امام، بیشتر منعکس‌کننده نظام ترجیحات و مطلوبیت‌های ذهنی خوانشگران اندیشه ایشان است تا مبتنی بر یک سری پیش‌فرض‌های مکتسبه از متن خالق اندیشه. لذا، فهم اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) نیازمند آن است که محقق بی‌طرفانه و بدون پیش‌داوری و یا بدون غرض‌ورزی به متن اندیشه ورود نماید تا این امکان فراهم شود که اندیشه سیاسی ایشان مبتنی بر یک سری تحلیل‌های علمی و نظام‌مند تحریر شود.

۲. چالش تحمیل نظریه بر اندیشه

دومین دشواره، تحمیل نظریه بر اندیشه است. توضیح آن که، زمانی نظریه برای مطالعه یک پدیده مورد کاربست قرار می‌گیرد که سازوکار منطقی و درونی آن پدیده مشخص نباشد و محقق برای فهم این سازوکار درونی، لاجرم از استفاده یک چارچوب نظری برای مطالعه آن پدیده است. این در حالی است که اساساً منظومه اندیشگی امام خمینی(ره) یک منظومه علمی و روش‌مند بوده و منطق کنش سیاسی امام خمینی(ره) بر اساس اصول مشخصی بنا نهاده شده است اصولی چون پذیرش پیش‌فهم‌های تاریخی، معرفتی در بکارگیری مفاهیم اساسی؛ شالوده‌شکنی معقولات عقلی، فلسفی و روشنفکری؛ وفاداری به قواعد حاکم بر اندیشه سیاسی شیعه و نوآوری در تبیین آن؛ پایبندی به مسیر تاریخی اندیشه سیاسی و نوآوری در موضع و منزل؛ پایبندی به منطق حاکم بر فقه و نوآوری در بسط موضوعات (عیوضی، ۲۰۱۸). همچنین ایشان خود در جایگاه یک نظریه‌پرداز و سیاست‌مداری نواندیش، مبانی اندیشه‌ورزی خود را منقح نموده و در عمل نیز آن را تبیین کرده است. لذا، تحمیل نظریه بر اندیشه ایشان، موجب بخشی‌نگری نسبت به اندیشه شده و بخش معظمی از نظم اندیشگی ایشان را به محاق برده و مانع از شناخت دیگر وجوه و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ساخت پیچیدگی‌های درونی اندیشه ایشان می‌شود. به معنای دیگر، تحمیل یک نظریه خاص برای مطالعه کنش سیاسی امام خمینی(ره)، به واسطه لزوم پایبندی محقق به لوازم و پیش‌نیازهای روشی و نظری، زاویه دید محقق را بسته کرده و مانع از نگرش کلان‌نگر و جامع به دیگر جوانب اندیشه می‌شود.

۳. چالش قدسی‌انگاری

دشواره سوم، چالش قدسی‌انگاری در حوزه اندیشه است؛ این که محقق به ورای مرزهای اندیشه و فحوای اندیشه نزدیک نشود مانع از فهم پویایی‌های درونی آن اندیشه می‌شود. اندیشه باید در چارچوب نقد قرار گیرد و باید بتوان با متن اندیشه‌ورز ارتباط برقرار کرد و ابعاد نظری او را به نقد عالمانه و بررسی نقادانه گذاشت. قدسیت در اندیشه، موجب می‌شود تا ظرفیت نقدپذیری اندیشه در حریم ممنوعه‌ای قرار گیرد که آن حریم مانع از فهم شایسته آن اندیشه می‌شود که نتیجه آن عدم پویایی اندیشه و انسداد مسیر اجتهاد خواهد بود.

نگرش قدسی و آرمانی به سیاست و حکمروایی از شاخصه‌های اصلی اندیشه سیاسی محسوب می‌شود. اغلب اندیشمندان ایرانی دارای دیدگاه ویژه‌ای نسبت به جهان، نظم هستی، آفریدگار آن، انسان، جایگاه و وظیفه او در جهان، هدف از آفرینش و... بوده و توجه آنها به این مؤلفه‌های غیرمادی، ناشی از همین دیدگاه هاست. این‌ها ارزش‌ها و مقولاتی نه این جهانی، بلکه آسمانی هستند که سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها در گرو توجه به آنهاست. عناصر و ارزش‌هایی چون خداآوری، نقش دین در سیاست، نقش اخلاق، نگاه خاص به نظام هستی و لزوم هماهنگی با این نظام از ویژگی‌های نگاه معنامحور ایرانیان به جهان و نظم جهانی است (مجتبایی، ۱۹۷۴).

با این همه، هر چند از منظر امام خمینی(ره)، حکومت فقیه در عصر غیبت امام زمان وظیفه‌ای است که در حوزه شئون ولی فقیه تعیین یافته، ولی این نگاه مربوط به منشاء مشروعیت حکومت در نظم تفکری

ایشان است و نه تقدیس زمامداران؛ امام خمینی(ره) خود در صف مقدم مبارز به قدسی‌انگاری امر سیاست و حکومت بود و در نقد این اندیشه که تمرکز قدرت موجب مشروعیت می‌شود، این چنین می‌فرماید: «گمان نکنید هر که قدرت پیدا کرد، خدای تبارک و تعالی با اوست. معاویه هم قدرت داشت، فرعون هم قدرت داشت، فرعون هم سلطنت داشت. سلطنت اگر ظل الله باشد، سلطان اگر ظل الله باشد، پذیرفته است. یعنی چه «ظل الله»؟ یعنی این که همین طور که سایه- سایه انسان- هیچ از خودش حرکتی ندارد الا به حرکت انسان، اگر چنانچه سلطانی هیچ حرکتی نداشت الا به حرکت و به تحریک خدای تبارک و تعالی، از خودش هیچ نداشت و همه از خدای تبارک و تعالی بود» (امام خمینی، ۲۰۰۹، جلد ۶: ۳۳۸).

۴. چالش نگاه تک‌ساحتی به اندیشه

چهارمین چالش، تک‌ساحتی‌نگریستن به اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) است. در واقع، تحقیقات موجود عمدتاً اندیشه سیاسی را در فقه سیاسی یا تأثیرات آن بر کنش سیاسی محدود می‌کند؛ در حالی که این اندیشه ریشه‌های فلسفی، اخلاقی و عرفانی هم دارد و صرف نگاه فقاهتی و رویکرد تک‌ساحتی به اندیشه سیاسی امام مانع از فهم شایسته این اندیشه می‌شود. از طرف دیگر، گسست فقه از اندیشه حکومت، موجب انزوا و ناکارآمدی فقه در دنیای امروز می‌شود. با این حال، امام خمینی(ره) با تأکید بر جنبه عملی فقه و تحقق کامل احکام الهی که دانش فقه عهده‌دار است، بر ضرورت توجه به دانش فقه در فهم اندیشه سیاسی در اسلام تأکید دارد (امام خمینی، ۲۰۰۹، ج ۲۱: ۲۸۹-۲۹۰)؛ ولی این به معنای انحصار فهم اندیشه سیاسی در فقاهت نبوده و نیست. چراکه اندیشه فقهی ایشان نیز محصور در زمان و موقعیت خاصی از تاریخ نبوده و نوعی سیالیت و زمینه‌گرایی را در درون خود داشته است. لذا، تک‌ساحتی‌نگریستن به اندیشه فقهی سیاسی امام خمینی(ره) و عدم توجه به دیگر ابعاد نظام اندیشگی ایشان که مقوم دیدگاه فقهی ایشان است، می‌تواند تصویری ناصحیح و ناصواب از اندیشه سیاسی ایشان پدید آورد.

۵. چالش فقدان تمایزگذاری میان اندیشه سیاسی و آراء سیاسی

دشواره پنجم، عدم تمایزگذاری میان اندیشه سیاسی و آراء سیاسی حضرت امام است؛ باید یک فصل ممیزه بین این دو قائل شد. قادری با تفکیک قائل شدن میان اندیشه سیاسی و آراء سیاسی امام خمینی(ره)، معتقد است برای فهم شایسته از نظام اندیشگی امام خمینی(ره) لازم است میان آراء سیاسی ایشان با اندیشه سیاسی ایشان تفکیک قائل شد. وی به اشاره به سیر تکوین و تطور در آراء سیاسی امام خمینی(ره)، معتقد است اندیشه سیاسی ایشان نه تنها دچار تطور نگشته، بلکه در مرور زمان، تعمیق یافته است (قادری، ۲۰۰۲). برای مثال، نوع ارتباط جمهوری اسلامی با آمریکا را می‌بایست در آراء سیاسی امام دنبال کرد که حسب اطلاعات و نوع کنش‌های امام نیز شاهد نوعی تطور هستیم و حتی در شرایط پس از تسخیر سفارتخانه این کشور در تهران به دست دانشجویان نیز ایشان رابطه مجدد با این کشور را مشروط به برخی از شروط می‌نمودند؛ این در حالی است که عدم تمکین از استکبار در شمول اندیشه سیاسی ایشان است و نمی‌توان آن را به عنصر زمان و مکان تقلیل داد. لذا، برای فهم ساختار اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، می‌بایست میان آراء سیاسی که محصول شرایط زمانی و مکانی (اقتضایی بودن آراء سیاسی) است و در نتیجه امری

تبعی و متغیر می‌باشد، با اندیشه سیاسی ایشان که با گذشت زمان، عمق بیشتری پیدا می‌کند تفاوت قائل شد.

۶ چالش اکنون‌نگاری

چالش اکنون‌نگاری چنین اشعار می‌دارد که این که ما نسبت به اندیشه سیاسی امام یک نگاه مقطعی و با تکیه بر ارزش‌های امروزی و بدون توجه به مختصات و بافت زمانی و مکانی اندیشه داشته باشیم، تصویری نادرستی از اندیشه امام ارائه می‌دهد. برای نمونه در این قسمت به مسئله خشونت ارجاع داده می‌شود. خشونت همواره به‌عنوان یک ذهنیت و ادراک یک مابه‌ازای بیرونی دارد که باعث می‌شود ما عملی را خشونت‌آمیز تلقی کنیم، اما این ادراک از خشونت یک امر نسبی است. در واقع خشونت یک امر برساخته اجتماعی که به‌صورت بیناذهنی توسط کنشگران اجتماعی ادراک می‌شود. لذا ممکن است در آینده حتی صدور احکام زندان برای مجرمین، مصداق نقض حقوق بشر و خشونت تلقی شود. این مسئله به وجه برساختگی ادراکات بشری بازمی‌گردد و امری است که تابع مختصات محیطی است.

این مهم در بیان ایشان این چنین مورد تأکید قرار گرفته و نسبت به آن هشدار داده‌اند «ترس من این است که تحلیلگران امروز، ده سال دیگر بر کرسی قضاوت بنشینند و بگویند که باید دید فتوای اسلامی و حکم اعدام سلمان رشدی مطابق اصول و قوانین دیپلماسی بوده است یا خیر؟ و نتیجه‌گیری کنند که چون بیان حکم خدا آثار و تبعاتی داشته است و بازار مشترک و کشورهای غربی علیه ما موضع گرفته‌اند، پس باید خامی نکنیم و از کنار اهانت‌کنندگان به مقام مقدس پیامبر و اسلام و مکتب بگذریم!» (امام خمینی، ۲۰۰۹، ج ۲۱: ۲۹۲-۲۹۳).

۷. چالش عدم بسط نظری اندیشه

هفتمین دشواره فهم اندیشه سیاسی حضرت امام، چالش خلاً نظریه‌پردازی و بسط نظری اندیشه امام است. به عبارتی با فقدان نظریه‌پردازان اصلی انقلاب در سال‌های ابتدایی انقلاب، آن استمرار لازم برای بسط نظریه‌پردازی اندیشه سیاسی امام دچار یک توقف شد. در واقع، یکی از عوامل اصلی در استمرار هر اندیشه، وجود حاملان آن اندیشه و یا اندیشه‌ورزی و اجتهاد در آن اندیشه برای زنده‌نگاه‌داشتن آن و تطبیق، ترمیم و اعتلای اندیشه بر بستر مقتضیات زمانی و تغییر در بافت فضایی در هر دوره‌ای است. بر این اساس، از یک سو، عواملی چون ترورهای سال‌های آغازین انقلاب اسلامی و یا ورود بخش قابل‌توجهی از برجستگان مکتب اندیشگی امام به حوزه‌های اجرایی و مناصب قضایی، موجب فاصله افتادن ایشان از حوزه اندیشه‌ورزی شد و از سوی دیگر، جوامع علمی نیز تلاش جامعی و شاملی را برای شناخت منظومه فکری ایشان و اجتهاد دائمی در آن از خود بروز نداده است. این دو عامل در کنار، روند شتابان قانون‌گرایی متن‌محور و حجم قابل‌توجه تولید رویه‌های قانونی بر بستر علوم نوین در دهه‌های اخیر، موجب شده است تا نیاز و ضرورت کمتری برای بازتفسیر و اجتهاد در مکتب فکری امام خمینی (ره) احساس شود. این در حالی است که امام خمینی (ره)، صدای رسای عقلانیت دینی و نماد برجسته همبستگی ایرانیان در ساخت یک الگوی نوین از

حکمرانی در جهان معاصر است و بدون توجه به اندیشه و اجتهاد در مکتب فکری ایشان، مخاطرات فراوانی در برابر ساخت حکومت و اجتماع قرار خواهد گرفت.

۸. چالش معرفت‌شناختی از قدرت و سیاست

دشواره هشتم، دشواره معرفت‌شناختی است. یکی از تعریض‌ها و نقدهای منتقدین بیرونی به اندیشه سیاسی امام این است که نظریه ولایت فقیه به‌عنوان کاربردی‌ترین و محوری‌ترین مؤلفه و مفهوم در اندیشه سیاسی امام، نه یک طرح برای توسعه معرفت، بلکه برنامه‌ای برای کسب قدرت (بی بی سی، ۲۸ اگوست ۲۰۱۶)، آن هم براساس یک خوانش قدسی است. لذا، تا زمانی که مفهوم قدرت در چارچوب‌های نظام تأملات فلسفی، اخلاقی و تعالی‌گرای امام خمینی (ره) درک نشود، انگاره قدرت به‌عنوان امری پیشینی و مفروض در متن دانش سیاست امروزین، جایگزین آن شده و مفهومی هابزی از آن را در اذهان برمی‌سازد؛ حال آن‌که اساساً نگاه امام خمینی (ره) به مفهوم قدرت و حکومت، بر اساس نوع هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی ایشان با برداشت مکاتب مادی‌گرای اندیشه سیاسی غرب تفاوت ماهوی دارد (لک‌زایی و ارجینی، ۲۰۱۸: ۹۳-۱۰۸).

۹. چالش ناشی از عدم توجه به بافت و موقعیت در پردازش اندیشه

نهمین چالش به عدم توجه به بافت و موقعیت فضایی کنش مربوط می‌شود. در واقع وقتی کنش اعلانی و اعمالی امام را به نقد می‌گذاریم باید توجه نماییم این متن در چه مختصات فضایی و زمانی خلق شده است. مثلاً کشف اسرار توسط امام در آغازین سال‌های دهه ۱۳۲۰ نوشته شده در چه فضایی از مختصات مؤلف و جامعه و در پاسخ به کدام نیاز فکری زمان خویش نوشته شده و یا این‌که آنگاه که به مباحثات کتاب‌های فقهی و اصولی امام نظیر البیع، الاجتهاد والتقلید، تحریر الوسیله و یا سلسله دروس فقهی حکومت اسلامی یا الولاية الفقیه می‌رسیم، آیا این شرایط و مختصات تغییر پیدا کرده است یا خیر؟ اقل تغییر در موقعیت مؤلف است آنگاه که از منظر یک فاضل حوزوی دست به قلم می‌برد و یا آنگاه که عنوان یک مرجع شناخته شده شیعی در درون حوزه هزار ساله نجف، بر کرسی فقاقت قرار دارد و یا در دوره پسانقلاب، و در هنگامه نگارش نامه تاریخی به صدر هیئت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی و یا صدور فتوای ارتداد سلمان رشدی، علاوه بر مرجعیت دینی، قامت یک رهبر فرهنگد یک انقلاب اجتماعی بزرگ بروز و ظهور دارد.

۱۰. عدم توجه به واقعیت بیرونی هر اندیشه

چالش دهم، مسئله توجه به ما به ازای بیرونی است. برای نمونه امام خمینی (ره) در دوره پسا جنگ به صورت مکرر به «اسلام آمریکایی» در برابر اسلام ناب محمدی (ص) اشاره می‌کنند. ایشان بعد از جنگ، بزرگ‌ترین خطر پیش‌روی جهان اسلام و انقلاب اسلامی از درون را خطر اسلام آمریکایی می‌دانست. ایشان در بیانی این‌گونه این دوگانه را مورد توجه قرار می‌دهند: «متأسفانه هنوز برای بسیاری از ملت‌های اسلامی مرز بین «اسلام آمریکایی» و «اسلام ناب محمدی» و اسلام پابرهنگان و محرومان و اسلام مقدس‌نماهای متحجر و سرمایه‌داران خدانشناس و مرفهین بی‌درد، کاملاً مشخص نشده است. و روشن

ساختن این حقیقت که ممکن نیست در یک مکتب و در یک آیین، دو فکر متضاد و رودررو وجود داشته باشد از واجبات سیاسی بسیار مهمی است» (امام خمینی، ۲۰۰۹، ج ۲۱: ۱۲۰-۱۲۱). این در حالی است که امروز بدون توجه به بافت زمانی و فضایی و نیز بدون اهتمام به مؤلفه‌های محیطی که اندیشمند را به سمت کاربست مفهوم جدیدی در ادبیات سیاسی خود سوق داده است، از آن مفهوم منطبق بر مقاصد ذهنی خود استفاده می‌نمایند بی‌آنکه به مابه‌ازای مفهوم در اندیشه ایشان عنایتی داشته باشد. در واقع، عمدتاً شاهد هستیم مفاهیم برآمده از اندیشه سیاسی امام بدون توجه به ما به ازای بیرونی، تحلیل موقعیت، ماهیت و فحوای کلام و قصدیت گوینده یا نگارنده از یک متن مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف شناسایی دشواره‌ها یا ذهنیت‌هایی که مانع از فهم قرین به واقع از اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) می‌شوند، انجام پذیرفت. نگارنده با پذیرش این دیدگاه که امکان ورود به لایه‌های ذهنی مؤلف وجود دارد و می‌توان در مقام استنتاج از متن برآمد و غایات و مقصود مؤلف را از متن استخراج نمود، اقدام به شناسایی این دشواره‌ها کرد. طبعاً شناخت این دشواره‌ها می‌تواند خطای تحلیلی و یا انحراف در نگاه اجتهادی مفسر از متن را تقلیل دهد و مفسر به درکی قرین به شایسته از غایات و مقاصد مؤلف نائل آورد.

با عنایت به قرائت حداکثری امام خمینی (ره) از دین، چنانچه در این باب چنین تصریح می‌کنند:

«حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه‌ی عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است، حکومت

نشان دهنده جنبه‌ی عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی

است، فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است» (امام خمینی، ۲۰۰۹، ج ۲۱: ۲۸۹)

از طرف دیگر، نظر به اهمیت کانونی اندیشه امام خمینی (ره) در ساخت نظم و نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی و نیز لزوم صیانت از مرزهای این اندیشه که ضامن بقای ساختار برآمده از آن است، نیازمند شناختی قرین به واقع از این اندیشه نظام‌ساز هستیم. با این همه، مجموعه متنوعی از انگاره‌ها و ذهنیت‌ها تا عوامل بیرون از ذهن، مانع از فهم شایسته اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) شده است که در این نوشتار بر بعد عوامل ذهنی تمرکز داشتیم. چنانچه احصا شده ۱۰ عامل ذهنی می‌تواند فهم مفسر از متن اندیشه و یا کنش سیاسی ایشان را متأثر از خود سازد که این که امام خمینی (ره) نیز خود در پیام مشهور به منشور روحانیت متذکر این آسیب می‌شود. علی‌هذا، چالش‌های معرفتی و انگاره‌های ذهنی نقش به‌سزایی در شکل‌بخشی به فضای تفهیمی مفسر داشته و می‌تواند به‌مثابه یک عامل پیشینی و پیش‌فرض عمل نماید و پدیده را بر اساس آن مورد مطالعه و بازخوانش قرار دهد.

نگارنده بر این باور است که راز مانایی جمهوری اسلامی و سلامت آن در گرو پایبندی به ارزش‌های تأسیسی آن و استمرار حیات آن ارزش‌ها است. لذا، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) به‌عنوان نقطه جمع تمامی این آرمان‌ها و الهام‌بخش نظم و نظام در دوره پسانقلاب، نقشی به‌مثابه نرم‌افزار سیاست و حکومت را ایفا می‌کند و سازه برآمده از آن بدون وابستگی و اتصال دائمی به آن مبانی و نظم اندیشگی در معرض

آسیب و خطر تحریف قرار دارد. لذا، برای مقابله با چالش‌های برآمده از ذهنیت‌ها در شناخت اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، نیازمند یک فضای نقادانه و آزاداندیشانه هستیم تا اندیشه سیاسی امام از این ذهنیت‌های برساخت‌گرایانه پیراسته شود. طبعاً هر میزان به این ذهنیت‌ها پاسخ داده نشود و پهنای باند انتقادی اندیشه‌ورزی انقلاب اسلامی تقویت نگردد، بیشتر با خطر به حاشیه رفتن و انزوا اندیشه انقلاب و امام مواجه خواهیم شد.

References

- Barzegar, Ibrahim (2011). "The structure of understanding political thought in Islam". *Political Science*, 6 (2): 72-43. (In Persian)
- Barzegar, Ibrahim (2014). *Imam Khomeini's political thought; Politics as a path*. Tehran: Samt publication. (In Persian)
- Bavi, Mohammad (2003). "A reflection on the methodology of studying Imam Khomeini's political thought". *Humanities Quarterly (Imam Hossein University)*, 11 (41): 5-32. (In Persian)
- BBC (28 August 2016). "Province of jurisprudence, a theory for the seizure of power". Available at: https://www.bbc.com/persian/blogs/2016/08/160828_144_nazeran_velayte_faghieh_khomeini, viewed on 29 Aban 1401. (online)
- Binandeh, Abdullah; Ali Hosseini, Ali; Harsij, Hossein (2020). "Epistemology; A framework for understanding Imam Khomeini's political thought". *Siyasat-e-Motaaaliyeh*, 7 (26): 51-70. (In Persian)
- Carter, Ken (June 1, 2020). "Investigations-know the facts before investigating". Available at: <https://www.integritysci.com/investigations-know-the-facts-before-investigating/>, viewed in: Nov. 14, 2022.
- Eskandari, Mojtaba (2007). "Methodology of research in Imam Khomeini's thought". *Journal of Human Sciences*, 15 (65): 51-35. (In Persian)
- Eyerman, R. (1981). "False Consciousness and Ideology in Marxist Theory", *Acta Sociologica*, Vol. 24, No. 1/2, Work and Ideology (1981), pp. 43-56
- Eyvazi, Mohammad Rahim (2018). "Methodology of studying and understanding Imam Khomeini's political thought". *Political Thought in Islam*, No. 13: 126-95. (In Persian)
- Gadamer, Hans-georg (1960). *Truth and Method (in German: Wahrheit)*. Tübingen, Mohr Verlag.
- Gadamer, Hans-georg (1976). *Philosophical Hermeneutics*, ed. David E. Linge. Berkeley: University of California Press.
- Garib Blook, Somia; Hazavehai, Seyyed Morteza (2018). "Introduction to the methodology of understanding Imam Khomeini's political thought". *Islamic Revolution Studies*, 14 (50): 58-45. (In Persian)
- "Hermeneutics in Science and Religion". *Encyclopedia of Science and Religion*. Retrieved November 09, 2022 from *Encyclopedia.com*: <https://www.encyclopedia.com/>

education/encyclopedias-almanacs-transcripts-and-maps/hermeneutics-science-and-religion, viewed in Nov. 14, 2022.

- Hasanifar, Abdurrahman (2018). "An autopsy of political power in the light of examining the meaning of "political matter"; Presenting a new framework for knowing "political matter". *Contemporary Political Essays*, Year 8, No. 3, 29-52. (In Persian)
- Heidegger, Martin (1962). *Being and Time*. Translated by John Marcquarrie & Edward Robinson. London: SCM Press.
- Heidegger, Martin (1977). "Sein und Zeit, in Heidegger's Gesamtausgabe", Vol. 2, ed. F. W. von Herrmann, 1977, XIV, 586p.
- Hematifar, Mojtabi; Shabani, Bakhtiar; Alam al-hodi, Jamila; Lakzaei, Sharif (2023). "Procedural considerations in Imam Khomeini's ideology: with emphasis on education and politics". *Islamic Revolution Research Journal*, Year 12, No. 42: 1-21. (In Persian)
- Hosseini, Maryam-Sadat (2012). *Imam Khomeini's political thought*. Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. (In Persian)
- Jamshidi, Mohammad Hossein; Sabzi, Davood (2012). "Methodology of Imam Khomeini's political thought". *Islamic Revolution Research*, Vol. 2, No. 7: 7-30. (In Persian)
- Khomeini, Ruhollah (2009). *Sahif-e- Imam*. Tehran: Orouj. (In Persian)
- Khorasani, Reza (2012). "Methodology of governmental jurisprudence in Imam Khomeini's sphere of jurisprudential-political thought". *Research Journal of Islamic Revolution*, 3(9): 68-47 (In Persian).
- Khosropanah, Abdul Hossein (1998-1999). "The theory of interpretation and its approaches". *Book Review (Naqd-e-Ketab)*, No. 5 and 6: 116-87. (In Persian)
- Lakzaei, Najaf (2006). *The evolution of Imam Khomeini's political thought*. Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization. (In Persian)
- Lakzaei, Najaf (2011). "Methodology of Imam Khomeini's political thought". *International and Political Approaches*, No. 23: 77-99 (In Persian).
- Lakzaei, Reza; Arjini, Hossein (2018). "Elucidation of the concept of power in the political thought of Imam Khomeini", *Political Knowledge*, 11 (2): 108-93. (In Persian)
- Mesbah-e-Yazdi, Mohammad-taghi (2009). "The hypocrites refer to the similarities in the words of the Imam". Available at: <https://gerdab.ir/fa/news/965/>. Viewed at: 19 Feb. 2022.
- Moghimi, Gholamhasan (2018). *The effectiveness of Imam Khomeini's method of ijthad in the production of jurisprudential-political thought*. Tehran: Islamic Science and Culture Research Institute. (In Persian)
- Mojtabai, Fethullah (1974). *Plato's beautiful city and Shahi Armani*, Tehran: Publications of Ancient Iran Culture Society. (In Persian)
- Qaderi, Seyyed Ali (2002). *Imam Khomeini in five spheres of political knowledge*, Tehran: Hozur Publishing House. (In Persian)
- Sandler, J; Sandler, A-M., (1995). "Unconscious Phantasy, Identification, and Projection in the Creative Writer". Chapter in: *On Freud's Creative Writers and Day-dreaming*, London: Routledge. 1st Edition, pp. 17.
- Schleiermacher, Friedrich (1835). *Sämmtliche Werke*. Berlin: Reimer.
- Shiroudi, Morteza (2012 B). "Imam Khomeini's approach in producing local political knowledge". *Epistemological studies in Islamic University*, 16(2) (51 series): 213-230. (In Persian)

-
- Shiroudi, Morteza (2012A). "Investigating the localization approach of modern political concepts in Imam Khomeini's political thought and practice". *Researches of the Islamic Revolution*, Serial 2: 87-120. (In Persian)